

بررسی عوامل آموزشگاهی و تأثیر آن بر کجرفتاری

سعید معیدفر، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

حسین مقیمی اسفندآبادی، کارشناس ارشد مطالعات جوانان دانشگاه تهران*

چکیده

یکی از مهمترین کارکردهای مدرسه، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است که نبود آن، به کجرفتاری دانش‌آموزان خواهد شد. هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی عوامل و مؤلفه‌های مدرسه و تأثیر آنها بر کجرفتاری دانش‌آموزان است. چهارچوب نظری تحقیق، ترکیبی از نظریه‌های فشار عمومی آگنیو (۱۹۹۲)، پیوند اجتماعی هیرشی (۱۹۶۹) و پیوند افتراقی ساترلند (۱۹۳۹) و با کنترل متغیر وضعیت خانواده دانش‌آموزان است. روش تحقیق کمی-پیمایشی است و جامعه آماری آن ۱۳۶۸۶ نفر دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های دولتی شهر یزد هستند که در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ مشغول به تحصیل بوده‌اند. بنابراین، از میان آنها ۲۰۰ نفر با محاسبه فرمول کوکران انتخاب شدند که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی به طور خود ابرار به پرسش‌نامه پاسخ دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مدرسه؛ یعنی متغیر تعامل اولیاء و برنامه درسی مدرسه، با تعلق فرد با مدرسه رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد و همچنین، متغیرهای مناسبات اولیای مدرسه با فرد، برنامه درسی مدرسه، تعلق فرد با مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف، رابطه معناداری با کجرفتاری فرد در مدرسه دارند که از میان مؤلفه‌های فوق تعامل منفی اولیای مدرسه با فرد تأثیر بیشتری بر کجرفتاری فرد در مدرسه داشته است و بین تعلق فرد به مدرسه و پیوند افتراقی با دوستان منحرف، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: کجرفتاری، تعلق فرد با مدرسه، تعامل با اولیای مدرسه، دانش‌آموزان

مقدمه

معضل کجروی نوجوانان از دیر باز در جوامع انسانی مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران بوده است. در جوامع کنونی بحث کجروی نوجوانان به یکی از حادثترین مسایل اجتماعی در آمده است و پیدایش جوامع و ارتکاب اعمال انحرافی با یکدیگر همزاد بوده‌اند. همیشه فرد مقصر رفتار انحرافی نیست، بلکه زمینه‌های اجتماعی تشکیل دهنده عواملی است که فرد را به اعمال انحرافی می‌کشاند. در نگاه اول، خانواده را مقصر اصلی در کجرفتاری فرد می‌دانند. سؤال اساسی که اینجا وجود دارد، این است که آیا امروزه خانواده به تنهایی می‌تواند جامعه‌پذیری فرد را بر عهده بگیرد؟ پاسخ "نه" است، چرا که از دیرباز تاکنون خانواده تنها نهادی بود که می‌توانست افراد را جامعه‌پذیر نماید، ولی هم اکنون خانواده نقش‌های اساسی خود را به نهادهای دیگری واگذار کرده است و به خانواده هسته‌ای تبدیل شده و نیازمند نهادهای جامعه‌پذیر همچون مدرسه است. بنابراین، مطالعه در حوزه کجرفتاری افراد از مرزهای خانواده فراتر رفته است و بر حوزه‌های دیگری، همچون مدرسه، مهاجرت، رایانه و غیره تأکید می‌کند.

نوجوانی یکی از حساسترین دوران زندگی هر موجود انسانی به شمار می‌رود و نوجوانانی که گرفتار مسائل اجتماعی می‌شوند، در اکثر موارد فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل و کار را از دست می‌دهند و با توجه به پذیرفته شدن آنان در حلقه‌های گروهی منحرف و مطرود به نوبه خود را برای آینده تشدید شده، به تباهی نوجوانان در جامعه می‌انجامد و به عبارتی، وجود سابقه نامطلوبی در زندگی آنها تأثیر فراوانی در حیاتشان خواهد داشت. لذا نهادهایی همچون مدرسه می‌توانند با ایجاد محیطی آرام و مناسب، شرایطی را برای رشد نوجوانان در نظر

بگیرند.

بیان مسأله

مدرسه نخستین محیط اجتماعی است که فرد با محیط آن آشنا شده، از آغوش پدر و مادر به محیط بزرگتر منتقل و با زندگی دسته‌جمعی آشنا می‌شود و به همین علت، رشد شخصیت نوجوان از تجربه‌هایش در مدرسه تأثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر، شرایط محیطی مدرسه می‌تواند بر رشد و جامعه‌پذیری نوجوانان مؤثر بوده، آنان را به افرادی منضبط تبدیل نماید. لذا اگر مدرسه نتواند محیط و شرایط اجتماعی را متناسب با نیازهای افراد در مدرسه به وجود آورد، با عواقب ناگواری همچون فرار از مدرسه، غیبت‌های مکرر در کلاس درس و اعمال انحرافی دیگری مواجه خواهد شد. شرایط محیط مدرسه، شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و شرایط درونی نسبتاً پایدار در یک مدرسه است که می‌تواند بر رفتار و نگرش فرد به مدرسه تأثیرگذار باشد. (کدیور، ۱۳۸۴: ۶۵)

شرایط محیطی مدرسه بر پیوند و تعلق فرد و نگرش افراد در مدرسه تأثیرگذار خواهد بود و کجرفتاری‌هایی که در مدرسه به وجود می‌آید، تنها ناشی از گروه‌های مختلف جامعه، نژادی، دینی، قومی و غیره نیست، بلکه بیشتر از عوامل مدرسه متأثر است که فرد در طول دوران تحصیل با آنها رو به روست. (شیخ‌وندی، ۱۳۷۳: ۳۱۱).

شواهد بسیاری نشان می‌دهد که کجرفتاری، از جمله فحشا در بین دانش‌آموزان دختر ۶۳۵٪ درصد رشد داشته؛ یعنی بیش از ۶ برابر شده است (روزنامه‌ی ایران، ۱۳۸۳/ ۶/۱۵) و اگر بار دیگر به آمارهای کجرفتاری مواد مخدر نگاه کنیم، سن شروع به مواد مخدر براساس گزارش آماری ۱۶ تا ۲۰ سالگی است، ولی سن در معرض خطر ۱۸ تا ۲۴

برایشان محدود می‌کند. مفهوم کجروی از نظر لغوی، هر گونه رفتاری است که با هنجارهای اجتماعی هم‌نوایی ندارد و مفهوم اصطلاحی کجروی، دامنه وسیعی از رفتارها، از قبیل تقلب در امتحان دانش‌آموزان تا قتل را در بر می‌گیرد. کجروی محصول دو کنترل درونی و بیرونی است. هاوارد بکر (۱۹۷۳) که کنترل درونی افراد جامعه را مهم می‌داند، معتقد است که برخی از انسان‌ها مقتدرانه می‌توانند به راحتی انگ کجرفتاری به دیگران بزنند. از دیدگاه بکر کجرفتاری به خودی خود وجود ندارد، زیرا فرد از ادراک دیگران که در بین گروه قدرتمند شمرده می‌شود، کجرفتار محسوب می‌شوند (صدیق، ۱۳۸۷: ۱۶). دورکیم از بنیانگذاران جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، هم‌نوایی، رفتارهای بهنجار و نابهنجار اعضای جامعه (دانش‌آموزان)، برآوردن نیازهای جمعی و درونی سازی اهداف آرمانی و عملکرد مثبت مدرسه دانسته است. علاوه بر کنترل درونی، هم‌نوایی از کنترل بیرونی متأثر است، چرا که خود آموزی هم‌نوایی و انحراف در متن وضعیت اجتماعی رخ می‌دهد. انحراف هر نوع رفتار یا وضعیتی است که ناشی از حالات منفی اعضای قویتر یک گروه اجتماعی، (فشار موجود) است که به ناکامی و تخلف شدید از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه منجر می‌گردد (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۲۱).

بنابراین، کجرفتاری به لحاظ نظری بیانگر کنشی است که معلول شرایط محیطی نامناسب (عدم جامعه‌پذیری) بوده، فرد در فرآیند عدم تعلق به مدرسه قرار می‌گیرد و با اتکا و گرایش به گروه‌های همسالان منحرف خود درصدد نفی قواعد و ارزش‌ها و هنجارهای مدرسه بر خواهد آمد.

تیو (۲۰۰۱) تازه‌ترین دسته‌بندی نظریه‌های مربوط به کجرفتاری اجتماعی را مطرح کرده است که عبارتند

سالگی است (گزارش سرشماری معتادان، مرکز مبارزه با مواد مخدر، سال ۱۳۸۱).

رجایی در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر بزهکاری" نشان می‌دهد که دلستگی به مدرسه و عملکرد تحصیلی آنان با بزهکاری رابطه معکوسی دارد و ارزیابی منفی معلمان از نوجوان با بزهکاری رابطه مثبتی دارد. بنابر نتایج تحقیق فوق، بین دلستگی به مدرسه و کجرفتاری رابطه مستقیمی وجود دارد و هر چه دلستگی به مدرسه افزایش یابد، به همان اندازه کجرفتاری در مدرسه و بیرون از مدرسه کاهش خواهد یافت (رجایی، ۱۳۸۲: ۷۰). شیوع کجرفتاری دانش‌آموزان در آینده، موجب افزایش رفتارهای ضد اجتماعی نسل جوان خواهد شد. با توجه به مطالب فوق، سؤال‌های اصلی تحقیق این است که: آیا مؤلفه‌ای آموزشی‌گانه می‌تواند بر کجرفتاری فرد تأثیرگذار باشد؟ و کدام یک از عوامل آموزشی تأثیر بیشتری بر تعلق و نگرش فرد نسبت به مدرسه دارند؟

مبانی نظری

الف) مفهوم کجرفتاری

استمرار حیات هر جامعه، نیازمند رعایت ارزش‌ها و هنجارها از سوی افراد جامعه است، اما در همه جوامع انسانی برخی از افراد پاره‌ای از ارزش‌ها و هنجارها را رعایت نمی‌کنند. جامعه افرادی را که هنجارها را رعایت کرده، هم‌نوا و افرادی را که هنجارها را رعایت نمی‌کنند، ناهم‌نوا می‌داند. (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳).

انحراف محصول فرایندهای اجتماعی مشخصی است که افراد را از نقش‌ها و گروه‌های بهنجار رانده، آنها را به اخذ تصورات منحرف در باب خود مجبور می‌سازد و امکان دسترسی به نقش‌ها و فعالیت‌های متعارف را

از دو گروه: الف) اثبات گرا؛ ب) برساخت گرا. گروه اول اثبات گرا، کج رفتاری را پدیده واقعی، عینی و جبری می‌داند که می‌توان آن را از سایر انواع رفتار متمایز، مشاهده و اندازه‌گیری کرد. گروه دوم برساخت گرا، کج رفتاری را نسبی و ذهن‌گرا و عملی ارادی می‌داند که شامل نظریه‌های انگ زنی و پدیدار شناختی و تضاد دانسته‌اند (صدیق، ۱۳۸۷: ۴۳).

ب) پیشینه‌ی تحقیق

در سال‌های اخیر، تبیین و بررسی کجرفتاری نوجوانان، از سوی صاحب‌نظران انحرافات به رویکردهای ترکیبی بدل شده است (الیوت ۱۹۸۵؛ تورنبری ۱۹۸۷ و گادتفرسون، ۱۹۹۰). به اعتقاد این صاحب‌نظران، بزهکاری جوانان از نظر موضوع، روش، محتوی، شکل و دامنه آن، چنان گسترده و پیچیده است که مسلماً یک نظریه قادر به تبیین همه انواع رفتارهای بزهکارانه جوانان نیست. تحقیقات متفاوتی در زمینه مدرسه و عوامل آن بر رفتارهای انحرافی انجام شده‌اند که عبارتند از: "گروه‌های همسال انحرافی" (مقدس، ۱۳۸۰؛ رجایی، ۱۳۸۲ و محمدی اصل، ۱۳۸۳)، "معدل تحصیلی" (مقدس ۱۳۸۰ و سخاوت ۱۳۸۱)، "رفتار پرخاشگرانه در مدرسه" (بازرگان، ۱۳۸۰ و مناقر ۱۹۹۴)، "اختلالات کارکردی مدرسه و محیط آن" (کدیور، ۱۳۸۱ محمدی اصل، ۱۳۸۳؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۸۷؛ پاترنوستر و مازرولی^۱، ۱۹۹۴ و اریک استوارت^۲، ۲۰۰۳)، "موقعیت جغرافیایی مدرسه" (عریضی، ۱۳۸۳؛ ولش^۳، ۲۰۰۰ و پول^۴ ۲۰۰۵) و دل‌بستگی به مدرسه (هیرشی^۵، ۱۹۶۹؛ جنکیز^۶، ۱۹۹۷ و هولدون دویر^۷، ۱۹۹۲).

تمام این تحقیقات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول تحقیقاتی که به طور خاص به حوزه مدرسه و مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند، که این دسته با توجه به موضوع تحقیق حاضر در پهنای این پژوهش قرار نمی‌گیرند؛ دسته دوم تحقیقاتی که به حوزه مدرسه و رابطه آنها با رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان پرداخته‌اند، که فراوانی این گونه تحقیقات در ایران نادر است. بنابراین، با استناد به این تحقیقات انجام شده (گروه دوم) در ایران، عوامل مدرسه و تأثیر آن در کجرفتاری نوجوانان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

از طرف دیگر، این تحقیقات انجام شده در ایران (گروه دوم) از اشکالات خاصی برخوردار است: اول اینکه برخی این از تحقیقات صرفاً به اهمیت نظریه کنترل اجتماعی و نظریه یادگیری اجتماعی پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، این تحقیقات صرفاً بر بررسی نگرش پیوند و عدم پیوند دانش‌آموزان در مدرسه تأکید داشته، از علل اولیه و شرایط و محیط اجتماعی که بر کجرفتاری نوجوانان تأثیر می‌گذارند، دوری گزیده‌اند (سخاوت، ۱۳۸۱: ۶۰) دیگر این که، کجرفتاری دانش‌آموزان از عوامل و شرایط گوناگون اجتماعی متأثر است که دانش‌آموزان با آن مواجه می‌شوند. پس برای تبیین مسأله کجرفتاری و رابطه آن با مدرسه، نیازمند رویکرد ترکیبی برای بررسی رفتار انحرافی هستیم. با توجه به این موارد، اکثر این تحقیقات (گروه دوم) به تبیین تک بعدی کجرفتاری دانش‌آموزان در مدرسه پرداخته‌اند.

تحقیقات خارجی، که به نیکوترین شیوه و مرتبط با زمینه، به کجرفتاری در مدرسه و عوامل آن پرداخته‌اند، دارای چهارچوب نظری ترکیبی خاص و

¹ Patrnvstr and Mazrvly

² Eric Stewart

³ Welch

⁴ pool

⁵ Hirsch

⁶ Jnkyz

⁷ Doerr Hvldvn

واقعی فرد در مدرسه و محتوای برنامه درسی مدرسه شکافی ایجاد گردد، به ایجاد و خلق فشار در بین افراد در مدرسه منجر خواهد شد، که در این حالت یاس و سرخوردگی و عدم تعلق فرد به مدرسه افزایش می‌یابد.

۲- فشار ناشی از حذف محرک‌های ارزشمند برای فرد؛ ۳- فشار بر اثر وجود محرک‌های منفی (اگنیو، ۱۹۹۵: ۱۲۷): وجود محرک‌های منفی شامل تعامل منفی اولیا و مربیان در مدرسه در ایجاد و خلق فشار بین افراد در محیط اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. تئوری نظریه فشار عمومی اگنیو به تنهایی نمی‌تواند در تبیین کجرفتاری نوجوانان تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، این تئوری به طور مستقیم به کجرفتاری نوجوانان در مدرسه منجر نمی‌شود، بلکه به تعلق پایین فرد به مدرسه منجر خواهد شد (همان: ۱۵۲).

ب) نظریه کنترل اجتماعی^۳: پیش فرض اساسی نظریه کنترل اجتماعی این است که بین میزان احساس تعلق و وابستگی نوجوانان به الزامات و تقیدات اجتماعی حاکم بر نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف جامعه و بزهکاری نوجوانان همبستگی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان تعلقات خاطر و تقیدات فرد به هنجارها، قواعد و رسوم جامعه ضعیف‌تر شود، برای ارتکاب اعمال انحرافی آمادگی بیشتری دارد.

هیرشی معتقد است که تقیدات و پیوندهای محکم دانش آموزان نسبت به مدرسه، خانواده و همسالان در عدم گرایش آنها به رفتارهای بزهکارانه تأثیر بسزایی دارد. از منظر نظریه پیوند اجتماعی هیرشی^۴ عدم تعلق به مدرسه، زمینه ساز رفتارهای بزهکارانه است. هنگامی که مدرسه از افراد خودش حمایت نکند و قادر به یاد دادن مهارت‌ها و هنجارهای مورد وفاق

مرتبط با موضوع تحقیق هستند. البته، تنها نکته منفی این تحقیقات توجه به شرایط و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی کشورهای توسعه یافته است که با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع ما به طور کامل متفاوت است.

ج) چارچوب نظری

با توجه به مطالب قبلی، تحقیق حاضر درصدد یافتن علل و تبیین مؤلفه‌های مدرسه و تأثیر آن بر کجرفتاری دانش آموزان، از خلال مطالعات گسترده‌ای است که بر رابطه بین متغیرهای مربوط به مدرسه و کجرفتاری دانش آموزان تأکید کرده‌اند. مبنای نظری این مقاله ترکیبی از سه نظریه فشار عمومی اگنیو، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و نظریه پیوند افتراقی ساترلند در راستای علل کجرفتاری دانش آموزان در نظر گرفته شده است.

الف) نظریه فشار عمومی^۱: رابرت اگنیو^۲ (۱۹۹۵) مفهوم مرتون در احساس فشار را به گونه‌ای بسط داده است که بتواند تمامی اشکال رفتار انحرافی را بهتر تبیین نماید. طبق نظر اگنیو سه منشأ فشار وجود دارد: ۱- فشار حاصل از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند: فشار حاصل از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند، از شاخص‌های دیگری است که در جامعه به خلق و ایجاد فشار کمک می‌کند، که شامل برنامه درسی مدرسه است. برنامه درسی دومین مؤلفه مدرسه است که نشان می‌دهد رفتار و حتی تغییر نگرش‌های افراد در طول دوران تحصیل، از اهمیت والایی برخوردار است. نسبت برنامه درسی با عدم دستیابی به اهداف مثبت در مدرسه، همان برآوردن نیازهای فرد در طول دوران تحصیل همراه با مهارت کافی برای زندگی آینده فرد است، چرا که زمانی که بین نیازهای

³ Theories of social control

⁴ Hirchi

¹ Theories of public strains

² Agnew, Robert

مؤلفه آن پایین‌تر باشد، همنشینی با دوستان منحرف در مدرسه بیشتر خواهد بود.

هر سه دیدگاه بر یکدیگر تأثیر گذاشته، معلولی بر علت کجرفتاری دانش‌آموزان به شمار می‌روند. مدرسه از جمله نهادهایی است که اجزا و عوامل آن به یکدیگر وابسته بوده، بر یکدیگر تأثیرگذار خواهند بود. به همین علت، این مقاله به دنبال بررسی ریشه‌های اساسی کجرفتاری دانش‌آموزان با توجه به عوامل و شرایطی است که در مدرسه ایجاد می‌شود.

دیدگاه اول بیانگر بی‌سازمانی اجتماعی مدرسه است، به عبارت دیگر منبع و منشأ معضل اجتماعی در مدرسه، همان وجود بی‌سازمانی و ایجاد فشار بر روی دانش‌آموزان است. منبع فشار از سوی مدرسه را می‌توان به ارزیابی منفی معلمان با دانش‌آموزان، فشرده بودن کلاس‌های درسی و تعامل منفی اولیای مدرسه اشاره کرد. این دیدگاه را می‌توان با مفهوم شرایط و محیط مدرسه بسط داد؛ به لحاظ نظری، وضعیت و شرایطی که در طول دوران تحصیل بر رفتار دانش‌آموزان تأثیرگذار خواهد بود.

اولیای مدرسه با توجه به نوع شخصیت و دفاع از ارزش‌های خود، به ارزیابی و انگ زدن بر روی دانش‌آموزان روی می‌آورند و با این کار می‌توانند بر نگرش دانش‌آموزان در مدرسه تأثیرگذار باشند؛ بنابراین، هرچه تعامل اولیای مدرسه با دانش‌آموز منفی‌تر باشد، نگرش فرد به مدرسه کاهش می‌یابد. با توجه به رویکرد نظریه فشار، می‌توان گفت که منشأ فرار دانش‌آموزان از مدرسه، تحت تأثیر ایجاد فشار از سوی اولیای مدرسه است. در اینجا برای مشخص شدن شرایط و منابع به وجود آورنده فشار در مدرسه به دو بعد ذیل باید توجه کرد:

۱- مناسبات اولیای مدرسه با دانش‌آموزان: رفتار و تعامل منفی که اولیای مدرسه در طول دوران تحصیل

جامعه به فرد و حتی نیازهای افراد نباشد، فرد در مدرسه احساس سرخورده‌گی نسبت به مدرسه و اعضای آن خواهد کرد و در این حالت، تعلق وی به مدرسه کاهش خواهد یافت. همچنین، نظریه کنترل اجتماعی قادر به تبیین بزهکاری طولانی مدت نیست، زیرا هیچ‌گونه حمایت گروهی یا پاداشی برای این رفتار وجود ندارد (سینگل و سنا، ۱۹۹۷: ۲۹۳). زمانی که تعلق فرد با مدرسه کاهش یابد و فرد در این نهاد مورد تحقیر و تنبیه روحی و بدنی قرار گیرد، به گروه‌های همسال پناه می‌برد که در این حالت ارضای نیازها به شیوه کجرفتارانه، با افرادی که شبیه به خود دانش‌آموز هستند، به آسانی قابل دسترسی است و الگوهای بزهکارانه به راحتی به فرد منتقل می‌شود (هیرشی، ۱۹۶۹: ۳۴).

ج) نظریه افتراقی ساترلند^۱: اصول اساسی ارتباط افتراقی عبارتند از: رفتار مجرمانه یادگرفتنی است. رفتار مجرمانه در تعامل با دیگر افراد آموخته می‌شود. یادگیری رفتار مجرمانه، فنون ارتکاب جرم و جهت‌گیری‌های خاص انگیزه‌ها و تلاش‌ها و توجیه‌ها و نگرش‌ها را در بر می‌گیرد و یادگیری رفتار مجرمانه در قالب گروه‌های خصوصی نزدیک یا صمیمی صورت می‌گیرد. گروه دوستان و همسالان در مدرسه بر رفتار دانش‌آموزان در مدرسه مؤثر خواهند بود. اگر مدعی است که رفتارهای انحرافی نه تنها تحت تأثیر یادگیری و تعامل با افراد منحرف است، بلکه تشویق همسالان موجب ادامه رفتار انحرافی نیز خواهد شد (اکرز، ۱۹۶۶). گروه‌های همسالان منحرف با ایجاد فرصت‌های کجرفتاری در میان اعضا و حمایت کردن از گروه‌های دوستان بر اعمال رفتارهای کجروی تأکید می‌کنند. هرچه تعلق فرد به مدرسه و

¹ Differential theory of Sutherland

مدرسه منجر خواهد شد. در این فرایند دو حالت اساسی روی خواهد داد: حالت اول می‌تواند گرایش به همسالان منحرف و ایجاد خرده فرهنگ ضد مدرسه باشد و درحالت دوم خود دانش‌آموز می‌تواند به طور مستقیم دست به رفتار کجروانه دست بزند. دراصل، دیدگاه سوم یعنی همنشینی با همسالان منحرف متأثر از دو دیدگاه قبلی است. گرایش به همسالان منحرف را می‌توان ناشی از عدم تعلق دانش‌آموز به مدرسه و یا وجود حس انتقام‌جویی نسبت به اولیای مدرسه بر اثر فشار حاکم بر شرایط مدرسه دانست. گروه همسالان، گروه دوستی همسن هستند. در معنای اختصاصی‌تر گروه همسالان گروه‌هایی از نوجوانان هستند که اعضای آنها را فرهنگ خاص خودشان از نزدیک به هم پیوند داده است و وضع اجتماعی خاص و روش معینی در زندگی دارند. بنابراین، دانش‌آموزان برای دست‌یابی به اهداف و نیازهای خود ناچار به گروه‌های همسال می‌پیوندند. دانش‌آموزان در مدرسه برای انتقام‌جویی از معلمان مدرسه در قبال رفتارهای منفی به تشکیل گروه و خرده فرهنگ ضد مدرسه و مخالف با قوانین مدرسه دست می‌زنند و از طرف دیگر، این گروه‌های همسال برای ارضای نیازهای خود و هویت‌یابی در مدرسه در صدد ایجاد و خلق گروه‌های ضد مدرسه در مدرسه بر خواهند آمد.

چنانکه در مدل تحلیلی تحقیق مشخص شده است، مؤلفه‌های مدرسه (مناسبات اولیای مدرسه با فرد و برنامه درسی) به عنوان متغیرهای مستقل به کجرفتاری فرد در مدرسه و تعلق فرد با مدرسه به شمار می‌آیند و متغیر تعلق فرد با مدرسه هم متغیر متأثر (وابسته) از مؤلفه‌های مدرسه و هم متغیر مستقل از کجرفتاری فرد در مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف است. بر اساس نظریه الیوت (۱۹۸۵) بین جامعه‌پذیری نامناسب در مدرسه و عدم تعلق فرد به

با دانش‌آموز در مدرسه خواهند داشت. مناسبات اولیای مدرسه می‌تواند شامل تحقیر و تنبیه بدنی و یا تشویق و رفتارهایی باشد که به تغییر رفتار فرد در مدرسه منجر می‌گردد. این متغیر بر اساس نظریه فشار عمومی اگنیو است که مدعی است وجود محرک‌های منفی (مناسبات منفی) در مدرسه می‌تواند تأثیرات منفی بر رفتار فرد در مدرسه داشته باشد (اگنیو، ۱۹۹۲؛ علیوردی نیا، ۱۳۸۶: ۹۲).

۲- برنامه درسی مدرسه: یکی دیگر از مؤلفه‌های مدرسه به شمار می‌رود که همان ساختار برنامه درسی و محتوای کتاب‌هاست که بر میزان نگرش و علاقه فرد به مدرسه تأثیرگذار خواهد بود. بر اساس نظریه اگنیو شکاف بین توقعات تحصیلی (برنامه درسی و محتوای کتاب‌های درسی) و دستاوردهای واقعی (اهداف شغلی) دانش‌آموزان در مدرسه، به افزایش فشار در بین دانش‌آموزان منجر خواهد شد (علیوردی نیا، ۱۳۸۶: ۹۲).

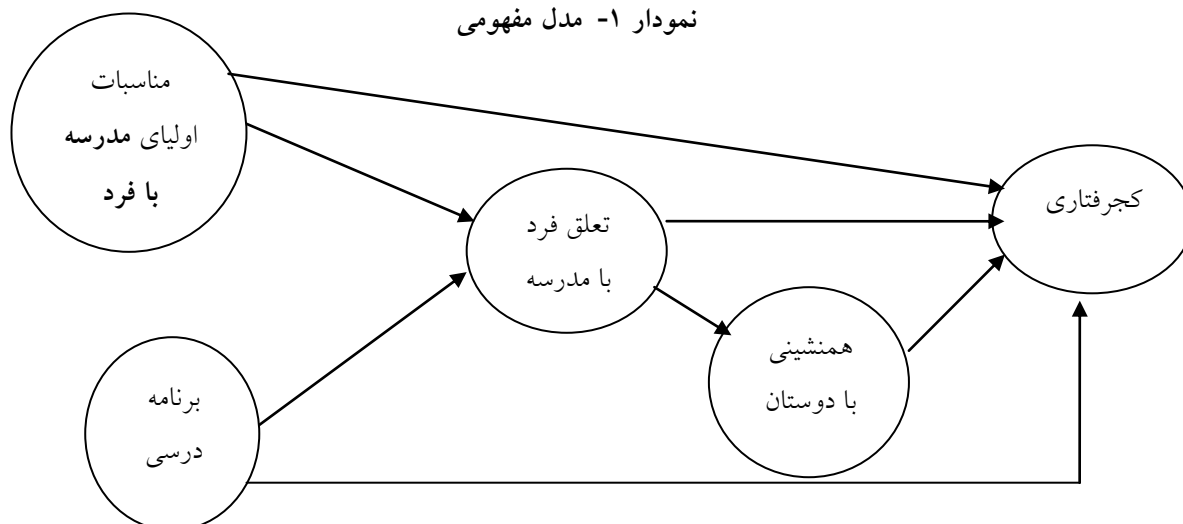
با این وصف، دیدگاه کنترل اجتماعی متأثر از دیدگاه نظریه فشار است، چرا که کنترل اجتماعی مدعی است که تعلق همان دلبستگی و تعهدی است که دانش‌آموز به مدرسه و اعضای آن خواهد داشت. همچنین، مدعی است که شکسته شدن قیود و یا ضعیف شدن علاقه و وابستگی دانش‌آموز علت انحراف وی می‌گردد (هیرشی ۱۹۶۹: ۲۳۰؛ جنکینز ۱۹۷۷: ۱۲۳؛ گادفرسون، ۱۹۹۰: ۱۸۴).

وقتی که اولیای مدرسه شرایط نامناسبی در مدرسه ایجاد کنند و یا به عبارتی، بر دانش‌آموزان انگ زده، آنها را ارزیابی کنند، در این حالت نگرش دانش‌آموز نسبت به مدرسه منفی‌تر و تعلق و پیوند وی به مدرسه کاهش خواهد یافت و ایجاد فرایند تأثیر فشار بر دانش‌آموز و عدم تعلق دانش‌آموز به مدرسه را تقویت نموده، همزمان به ایجاد رفتارهای ضد اجتماعی در

و هم به همنشینی با دوستان منحرف و کجرفتاری فرد در مدرسه منجر گردد.

مدرسه رابطه مستقیمی وجود دارد و عدم تعلق فرد با مدرسه هم می‌تواند به کجرفتاری فرد در مدرسه منجر

نمودار ۱- مدل مفهومی



فرضیه فرعی

- فرضیه فرعی ۱: بین مناسبات اولیا و تعلق فرد با مدرسه رابطه وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲: بین برنامه درسی مدرسه و تعلق فرد رابطه وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۳: بین تعلق فرد با مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، از نوع کمی - پیمایشی^۱ است که با تکنیک ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شده و در ضمن، در همه مراحل پردازش از نرم افزار اس پی اس اس^۲ استفاده شده است. تحقیق حاضر با توجه به فرضیه‌های تحقیق به بررسی متغیرها در سطح فرد می‌پردازد. بنابراین، واحد تحلیل در تحقیق حاضر فرد می‌باشد.

فرضیات تحقیق

فرضیه‌های تحقیق حاضر را به شرح تفصیلی در ذیل یک فرضیه جامع و تقسیمات فرضیات کلی و جزئی آن می‌توان چنین بیان کرد:
فرضیه جامع: میان مؤلفه‌ها و شرایط مدرسه که بر تعلق فرد به مدرسه تأثیر می‌گذارد و این تقابل فرد در گرایش فرد به دوستان منحرف مؤثر است، با بروز کجرفتاری فرد رابطه وجود دارد.

فرضیه اصلی

- فرضیه ۱: بین مناسبات اولیای مدرسه و کجرفتاری فرد رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین برنامه درسی مدرسه و کجرفتاری فرد رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین تعلق فرد با مدرسه و کجرفتاری فرد رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۴: بین همنشینی با دوستان منحرف و کجرفتاری فرد رابطه وجود دارد.

¹ survey

² spss

تعریف عملیاتی

کجرفتاری فرد: در تحقیق حاضر، برای سنجش عملی متغیر وابسته؛ یعنی کجرفتاری با استفاده از تقسیم‌بندی ابعاد پنجگانه کجرفتاری در نظر گرفته شده است: وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الکل و کجروی فرهنگی (سراج زاده، ۱۳۸۳). سپس برای هر یک از ابعاد، معرف‌هایی مطرح شده و در نهایت، با ۱۵ سؤال سنجش شده‌اند.

تعامل اولیای مدرسه با فرد: سازه مفهومی تعامل اولیای مدرسه با فرد، با توجه به نظریه فشار عمومی اگنیو است که مدعی است وجود محرک منفی و روابط منفی در میان اولیای مدرسه با فرد به هیجان‌های منفی منجر می‌گردد و در همین راستا، از شش گویه برای سنجش این متغیر استفاده شده است (علیوردی نیا، ۱۳۸۶؛ ولش، ۲۰۰۰).

برنامه درسی مدرسه: برنامه درسی مدرسه بر تعلق دانش‌آموز به مدرسه تأثیر می‌گذارد. برای سنجش‌های این بعد شانس دستیابی خود را به اهداف شغلی آینده و میزان انگیزه و علاقه فرد از برنامه درسی و کتاب‌های درسی است و از چهارگویه برای سنجش این متغیر استفاده شده است (علیوردی نیا، ۱۳۸۶).

پیوند فرد به مدرسه: پیوند فرد به مدرسه از ابعاد مؤلفه‌های مدرسه تأثیر می‌پذیرد و بر پیوند افتراقی با دوستان منحرف تأثیرگذار است. هرچه پیوند دانش‌آموز به مدرسه بیشتر باشد، کجرفتاری‌اش پایین‌تر خواهد بود. برای سنجش این متغیر از دوازده گویه استفاده شده است (هیرشی، ۱۹۶۹؛ گادتفرسون، ۱۹۹۰ و جنکینز، ۱۹۷۷).

پیوند افتراقی با دوستان منحرف: پیوند افتراقی با دوستان منحرف از تعلق دانش‌آموز به مدرسه تأثیر پذیرفته، بر کجرفتاری‌اش در مدرسه تأثیر می‌گذارد.

هرچه پیوند افتراقی دانش‌آموز با دوستان منحرف بیشتر باشد، کجرفتاری او بالاتر می‌رود. در سنجش این متغیر، میزان نشست و برخاست با دوستان و میزان انحراف دوستان از دیدگاه دانش‌آموزان با ۹ گویه مورد سنجش قرار می‌دهد.

وضعیت خانواده: خانواده به علت وجود همبستگی دانش‌آموز با خانواده خود می‌تواند بر کجرفتاری وی تأثیرگذار باشد. سنجش‌های مورد سنجش این متغیر در این تحقیق، میزان تعامل والدین با دانش‌آموز، میزان اختلافات بین والدین و سابقه انحرافی والدین در خانواده را بررسی می‌کند. برای سنجش این متغیر از هفت گویه استفاده شده است.

جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری همان جامعه اصلی است که از آن نمونه‌ای معرف به دست آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۵۸). بنابراین، جامعه آماری این تحقیق همه دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان مدارس شهر یزد بودند. که تعداد ۱۳۶۸۶ نفر از آنها در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه که تعداد عناصر موجود در نمونه را گویند (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۱۵۸)، با توجه به اطلاعات موجود سازمان آموزش و پرورش شهر یزد و بهینه‌سازی داده‌ها و پراکندگی آن در سطح شهر، چهار مدرسه انتخاب شد که شیوه انتخاب آنها به شرح ذیل بوده است:

"دو مدرسه در منطقه پایین شهر یزد که یکی از مدارس با مشخصات امکانات پایین و دیگری با مشخصات امکانات بالا در همان منطقه انتخاب و سپس از هر مدرسه ۵۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند که در مجموع از دو مدرسه (با امکانات بالا و پایین) منطقه پایین شهر یزد ۱۰۰ نفر برای اجرای

به جمعیتی محدود ارائه شد و سپس با سنجش میزان روایی و پایایی این ابزار امکان کاربرد روشمند آن در جمعیت‌های انحرافی بررسی گردید.

روایی: در عرصه روایی به منظور دقت در آن از تعدادی صاحب‌نظران (دو استاد دانشگاه و دو معلم مدرسه) پرسیده شد که آیا متغیرهای مورد نظر پوشش دهنده مجموعه اندازه‌گیری هستند؟ روش اندازه‌گیری پایایی با روش آلفای کرونباخ به ارزیابی سازگاری درونی پرسش‌های ابزار گرد آوری داده‌ها نظیر پرسشنامه بود که ابتدا برای ابزار بخشی، پرسشنامه در میان ۳۰ نفر از پاسخگویان قرار گرفت و پس از آن مؤلفه‌های پرسشنامه با آلفای کرونباخ آزمون شد. تحلیل پایایی شاخص‌ها به قرار نمونه زیر است:

پرسشنامه انتخاب شدند و دو مدرسه دیگر در منطقه بالا شهر یزد که یکی از آنها با مشخصات امکانات عالی (مدرسه شهید هاشمی) و دیگری در همان منطقه (بالا) با امکانات پایین قرار داشت (مدرسه سید محمد حسینی)، از هر مدرسه به طور تصادفی ۵۰ نفر انتخاب شدند. بنابراین، در مجموع از چهار مدرسه منطقه بالا و پایین ۲۰۰ نفر انتخاب شدند."

روایی و پایایی

به منظور رعایت معیار عینیت در اندازه‌گیری شاخص‌ها و نمایانگرهای برآمده از متغیرها و سازه‌ها، ابتدا ابزار گردآوری داده‌ها پس از مطالعات اکتشافی در قالب سؤال‌های یک پرسشنامه استاندارد

جدول شماره ۱- تحلیل پایایی با مقیاس آلفای کرونباخ

تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی	واریانس	میانگین	شاخص
۱۰	۰,۷۷	۴۱,۰۷	۳۰,۴۰	تعامل اولیای مدرسه با فرد
۴	۰,۷۷	۱۰,۶۸	۱۲,۷۳	برنامه درسی مدرسه
۹	۰,۸۶	۵۰,۳۵	۲۹,۱۶	تعلق فرد به مدرسه
۲	۰,۶۹	۱,۹۰	۵,۲۳	همنشینی فرد با دوستان منحرف
۴	۰,۶۹	۹,۴۴	۱۱,۰۶	وضعیت خانواده
۷	۰,۸۱	۴۷,۰۱	۱۹,۵۶	کجرفتاری

چند بعدی با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره با روش توام^۱، به تبیین متغیرهای مستقل (مناسبات اولیای مدرسه با فرد، برنامه درسی فرد، تعلق فرد به مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف) برای پیش بینی متغیر کجرفتاری (وابسته) پرداخته شد.

پس از پایایی تمام شاخص‌ها، محقق به توزیع پرسشنامه پرداخت و پس از جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه در مواردی آمار توصیفی با تأکید آمار استنباطی به پردازش داده‌ها مبادرت گردید. در این خصوص، ابتدا به بررسی توصیفی داده‌ها با توجه به فراوانی، درصدها پرداخته و سپس در سطح جدول دو بعدی و آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون (r) استفاده شد. پس از آن در سطح تحلیل جداول

¹ Enter

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

توصیف ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان

بیشترین فراوانی در سن هفده سالگی با ۳۹ درصد و کمترین فراوانی در سن هجده سالگی با ۵ درصد است. بیشترین فراوانی مربوط به رشته تحصیلی علوم انسانی با ۳۸ درصد و کمترین فراوانی مربوط به رشته تحصیلی کار و دانش، با ۳ درصد است. ۵۷ درصد

معدل تحصیلی آنها بین ۱۴ تا ۱۷ است که بیشترین فراوانی معدل تحصیلی پاسخگویان را در بر می‌گیرد و کمترین فراوانی مربوط به معدل تحصیلی دانش‌آموزان بین ۱۷,۰۱ تا ۲۰, ۷ درصد است.

توصیف متغیر وابسته

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب کجرفتاری دانش‌آموزان

طیف شاخص	فراوانی/درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	جمع
تقلب در امتحانات	فراوانی	۳۵	۴۹	۲۲	۵۰	۴۴	۲۰۰
	درصد	۱۸	۲۴,۵	۱۱	۲۵	۲۲	۱۰۰
غیبت غیر موجه	فراوانی	۲۴	۲۹	۵۸	۵۲	۳۷	۲۰۰
	درصد	۱۲	۱۴,۵	۲۹	۲۶	۱۸,۵	۱۰۰
سیگار کشیدن	فراوانی	۵۵	۲۶	۳۴	۱۱	۷۴	۲۰۰
	درصد	۲۸	۱۳	۱۷	۵,۵	۳۷	۱۰۰
اخطار گرفتن از مدرسه	فراوانی	۳۷	۳۸	۳۲	۱۷	۷۶	۲۰۰
	درصد	۱۹	۱۹	۱۶	۸,۵	۳۸	۱۰۰
درگیری با معلمان	فراوانی	۳۴	۲۹	۳۴	۱۴	۸۹	۲۰۰
	درصد	۱۷	۱۴,۵	۱۷	۷	۴۴,۵	۱۰۰
آزار رساندن به یکدیگر	فراوانی	۲۴	۵۴	۳۴	۱۲	۷۶	۲۰۰
	درصد	۱۲	۲۷	۱۷	۶	۳۸	۱۰۰
نوشتن روی صندلی و پنجره	فراوانی	۴۹	۶۱	۳۴	۴	۵۲	۲۰۰
	درصد	۲۴	۳۰,۵	۱۷	۲	۲۶	۹۹,۵

توصیف یافته‌های متغیر مستقل

یافته‌های متغیر مستقل بر شواهد تجربی، شاخص‌های مناسبات اولیای مدرسه با فرد، نوع برنامه درسی، پیوند فرد با مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف است.

برنامه درسی مدرسه: شواهد تجربی در زمینه برنامه درسی مدرسه به شرح ذیل است:

جدول فوق حاکی از آن است که شاخص تقلب ۵۲ درصد بیش از حد متوسط است و شاخص نوشتن بر روی صندلی، با ۵۵ درصد بیش از حد متوسط، بالاترین میزان کجروی در مدرسه را داراست و درگیری با معلمان با ۴۴,۵ درصد و اخطار گرفتن با ۳۸ درصد، کمترین میزان اعمال انحرافی در مدرسه را در بین دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب برنامه‌ی درسی دانش‌آموزان

طیف برنامه درسی	فراوانی/درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
علاقه و انگیزه به مطالب درسی	فراوانی	۱۸	۴۸	۵۰	۵۰	۳۴	۲۰۰
	درصد	۹	۲۴	۲۵	۲۵	۱۷	۱۰۰
رضایت از زمانبندی برنامه درسی	فراوانی	۲۵	۴۶	۶۹	۲۹	۲۹	۲۰۰
	درصد	۱۲	۲۳	۳۶	۱۴,۵	۱۴,۵	۱۰۰
شانس دستیابی به اهداف شغلی	فراوانی	۲۰	۲۸	۶۲	۴۸	۴۲	۲۰۰
	درصد	۱۰	۱۴	۳۱	۲۴	۲۱	۱۰۰
حل مسائل روزمره کتاب‌های درسی	فراوانی	۱۸	۳۷	۵۵	۶۱	۲۸	۲۰۰
	درصد	۹	۱۸,۶	۲۷,۶	۳۰,۷	۱۴,۰۱	۱۰۰

دیگر این بعد، شانس دستیابی به اهداف شغلی بهتر ۲۴ درصد در حد زیاد و ۳۴ درصد در حد متوسط و ۴۴ درصد شانس خود را به اهداف شغلی بهتر پاسخ گفته‌اند.

تعلق فرد به مدرسه: شواهد تجربی در زمینه تعلق فرد به مدرسه به شرح ذیل است:

با توجه به جدول فوق، برحسب برنامه‌ی درسی مدرسه می‌توان گفت که درخصوص شاخص علاقه به مطالب درسی ۳۳ درصد در حد زیاد و ۴۲ درصد در حد کم و بقیه ۲۵ درصد در حد متوسط پاسخ گفته‌اند. شاخص دیگر رضایت از زمانبندی برنامه درسی ۳۵ درصد در حد زیاد، ۳۴,۵ درصد در حد متوسط و بقیه ۲۹ درصد در حد کم پاسخ گفته‌اند. شاخص مهم

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب تعلق فرد به مدرسه

طیف تعلق فرد به مدرسه	فراوانی/درصد	کاملاً موافقم	موافقم	بینابین	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع
علاقه به مدرسه	فراوانی	۱۶	۴۰	۶۵	۶۳	۱۶	۲۰۰
	درصد	۸	۲۰	۳۲,۵	۳۱,۵	۸	۱۰۰
صرف تکالیف درسی	فراوانی	۱۸	۳۶	۵۶	۶۲	۲۴	۲۰۰
	درصد	۹	۱۸	۲۸	۳۱	۱۲	۱۰۰
احترام به معلمان	فراوانی	۳۷	۵۶	۴۵	۴۴	۱۶	۲۰۰
	درصد	۱۹	۲۸	۲۲,۵	۲۲	۸	۱۰۰
سختکوش بودن	فراوانی	۳۷	۵۶	۴۵	۴۴	۱۶	۲۰۰
	درصد	۱۸,۷	۲۸	۲۲,۷	۲۲	۸,۱	۱۰۰
رضایت	فراوانی	۲۲	۵۳	۵۶	۴۴	۲۲	۲۰۰
	درصد	۱۱,۱	۲۶,۸	۲۸,۳	۲۲,۲	۱۱,۶	۱۰۰
شرکت در فوق برنامه	درصد						

درسی داشته و ۳۷ درصد احساس ناخوشنودی از انجام تکالیف درسی را داشته‌اند. ۴۶,۵ درصد از پاسخگویان برای معلمان خود احترام زیادی قایل بوده و بقیه ۳۰ درصد با احترام گذاشتن به معلمان مدرسه خود مخالف بوده‌اند.

همنشینی با دوستان منحرف: شواهد تجربی در زمینه همنشینی با دوستان منحرف به شرح ذیل است:

با توجه به جدول فوق، برحسب تعلق فرد به مدرسه می‌توان گفت که در خصوص شاخص حس واقعی به مدرسه ۲۰ درصد موافق بوده‌اند، ۳۷ درصد نظر بینابین و ۴۲,۵ درصد نظر مخالف داشته‌اند. در خصوص شاخص علاقه به مدرسه، ۲۸ درصد موافق به مدرسه بوده و ۳۲,۵ درصد نظر بینابین داشته‌اند و ۴۰ درصد نیز مخالف بوده‌اند. ۳۴,۵ درصد از پاسخگویان احساس رضایت از انجام تکالیف

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب همنشینی با دوستان منحرف

طیف همنشینی	فراوانی/درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	جمع
میزان نشست و برخاست با دوستان	فراوانی	۳۸	۴۱	۷۸	۲۱	۲۲	۲۰۰
	درصد	۱۹	۲۱,۵	۳۹	۱۰,۵	۱۱	۱۰۰
میزان انحراف دوستان	فراوانی	کم	۳۸	متوسط	بالاتر		
	درصد	۱۹	۳۴	۷۴	۸۸	۴۴	

تجربی در زمینه آن به شرح ذیل است: شواهد جدول فوق حاکی از وجود شاخص‌های وضعیت خانواده همچون غیبت والدین و بی‌توجهی به خواسته‌های دانش‌آموز به ترتیب ۵۱,۵ و ۴۳ درصد و شاخص‌های مشاجره بین والدین ۶۲ درصد در حد کم می‌باشد. و شاخص سیگار کشیدن پدر ۶۰ درصد بلی و بقیه ۴۰ درصد جواب خیر پاسخ داده‌اند.

با توجه به جدول فوق، برحسب همنشینی با دوستان منحرف می‌توان گفت در شاخص نشست و برخاست با دوستان خود ۴۱ درصد در حد زیاد و ۳۹ درصد در حد متوسط و بقیه ۲۰,۵ درصد در حد کم گزارش داده‌اند. از طرف دیگر، شاخص میزان انحراف دوستان در جدول فوق، ۴۴ درصد در سطح بالا و ۱۹ درصد در سطح پایین مشاهده می‌شود. یافته‌های متغیر کنترل: یافته‌های متغیر کنترل شواهد تجربی شاخص‌های وضعیت خانواده است که شواهد

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب وضعیت خانواده دانش‌آموزان

طیف وضعیت خانواده فرد	فراوانی/درصد	خیلی زیاد	زیاد	کم	اصلاً	جمع
غیبت والدین	فراوانی	۳۸	۶۷	۷۴	۲۱	۲۰۰
	درصد	۱۸	۳۳,۵	۳۷	۱۱,۵	۱۰۰
شاهد مشاجره بین والدین	فراوانی	۲۷	۴۹	۷۴	۵۰	۲۰۰
	درصد	۱۴	۲۴,۵	۳۷	۲۵	۱۰۰
بی توجهی به خواسته‌های شما	فراوانی	۲۶	۶۰	۷۱	۴۳	۲۰۰
	درصد	۱۳	۳۰	۳۵,۵	۲۱,۵	۱۰۰

یافته‌های تحلیلی

آزمون فرضیات

جدول شماره ۷- همبستگی متغیرهای مستقل با کجرفتاری با ضریب پیرسون

متغیر	مقدار پیرسون	سطح معناداری	تعداد
مناسبات اولیای مدرسه و کجرفتاری فرد	۰,۵۵	**۰,۰۰۰	۱۹۸
برنامه درسی مدرسه و کجرفتاری فرد	۰,۵۴۰	**۰,۰۰۰	۱۹۸
تعلق فرد با مدرسه و کجرفتاری فرد	۰,۴۸۰	**۰,۰۰۰	۱۹۴
همنشینی با دوستان منحرف و کجرفتاری فرد	۰,۳۵۶	**۰,۰۱	۲۰۰
مناسبات اولیای مدرسه و تعلق فرد با مدرسه	۰,۵۲۱	**۰,۰۰۰	۱۹۴
برنامه درسی مدرسه و تعلق فرد با مدرسه	۰,۶۱۵	**۰,۰۰۰	۱۹۸
تعلق فرد با مدرسه و همنشینی با دوستان	۰,۱۴۸	**۰,۰۱	۱۹۴

** ضریب همبستگی در سطح ۰,۰۱٪ معنادار است.

رگرسیون

فرضیه کلی اول: تأثیر رابطه مناسبات اولیای مدرسه، برنامه درسی، تعلق فرد با مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف

غالباً رگرسیون بیانگر ارجاعی تابع میزان تغییرات متغیر وابسته به میزان تغییر یا متغیرهای مستقل است. لذا در اینجا چنین ارجاعی بین نسبت بروز کجرفتاری دانش‌آموزان و مؤلفه‌های مدرسه با تعلق فرد به مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف است.

جدول شماره ۸- خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره کجرفتاری

Sig	F	ADJR2	R2	R
۰,۰۰۰	۳۵,۱۰	۰,۴۳۵	۰,۴۴۶	۰,۶۶۸

جدول شماره ۹- ضرایب تأثیرات مدل تبیین کننده کجرفتاری

sig	T- value	(Beta)	(B)	متغیر مستقل
معناداری	(ارزش T)	ضریب تأثیر استاندارد	ضریب تأثیر غیر استاندارد	
.۱۱۸	-۱,۵۷۲	-	-۲,۶۵۵	ثابت
.۰۰۰	۴,۱۵۶	۲۹۲,	۲۴۶,	مناسبات اولیای با فرد
.۰۰۰	۳,۹۹۴	۲۷۵,	۵۸۸,	برنامه درسی مدرسه
.۰۰۰	۳,۸۶۷	.۲۱۴	۱,۰۵۶	همنشینی با دوستان

بین کجرفتاری فرد در مدرسه و متغیرهای مستقل است و همچنین، بدین معناست که یکی از این متغیرهای مستقل در معادله رگرسیونی دارای ضریب معناداری است. متغیرهای تعامل اولیای مدرسه، پیوند افتراقی دوستان منحرف و خانواده رابطه خطی با کجرفتاری فرد دارد.

جدول ۹ نشان می‌دهد که متغیر تعلق فرد با مدرسه به دلیل عدم معناداری از مدل خارج شده است و ۴ (متغیر مناسبات اولیای مدرسه، برنامه درسی مدرسه، همنشینی با دوستان منحرف و خانواده) با کجرفتاری فرد رابطه معناداری داشته است. مناسبات اولیای مدرسه با مقدار ۲۹ صدم بیشترین تأثیر را با کجرفتاری فرد در مدرسه داشته است.

فرضیه دوم: تأثیر رابطه مناسبات اولیای مدرسه و برنامه درسی بر تعلق فرد به مدرسه

در این تحقیق برای گرفتن رگرسیون چند متغیره از روش توام استفاده شده است؛ روشی که در آن همه متغیرهای مستقل همزمان وارد تحلیل شده، آثار همه متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته بررسی می‌گردد. تحلیل رگرسیونی خطی نمایانگر تأثیر متغیر مستقل مناسبات اولیای مدرسه، برنامه درسی مدرسه، تعلق فرد با مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف بر متغیر وابسته همچون کجرفتاری بوده است.

در جدول ۸ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه R معادل ۰,۶۶ بوده و به این معناست که متغیرهای مستقل فوق به طور همزمان ۶۶ صدم با کجرفتاری فرد ارتباط داشته است. ضریب تعیین R^2 معادل ۰,۴۴ بوده که به این معناست که ۴۴ صدم از تغییرات متغیر کجرفتاری فرد توسط متغیرهای فوق تبیین می‌شود. در همین جدول مقدار (F) ۳۵,۱۰ با سطح معناداری بیش از ۹۹ صدم تاییدی بر وجود رابطه

جدول شماره ۱۰- تبیین سه متغیره رابطه مناسبات اولیای مدرسه با فرد و برنامه درسی مدرسه با تعلق فرد به مدرسه

Sig	F	AdjR ²	R ²	R
۰,۰۰۰	۶۶,۷۷۳	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۶۴

جدول شماره ۱۱- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده ی تعلق فرد به مدرسه

sig	T- value	(Beta)	(B)	متغیر مستقل
معناداری	(ارزش T)	ضریب تأثیر استاندارد	ضریب تأثیر غیر استاندارد	
۰,۰۰۰	۵,۲۱	-	۷,۹۴	ثابت
۰,۰۰۰	۳,۵۹	۰,۲۴	۰,۲۲	مناسبات اولیا
۰,۰۰۰	۶,۷۸	۰,۴۶	۱,۰۷	برنامه درسی

می‌دهد. در همین جدول مقدار (F) ۶۶,۷۷ با سطح معناداری بیش از ۹۹ درصد تاییدی بر وجود رابطه بین تعلق فرد با مدرسه با مناسبات اولیا در مدرسه و برنامه درسی است و همچنین، بدین معناست که یکی از این متغیرهای مستقل در معادله رگرسیونی دارای ضریب معنی داری است. همچنین، در جدول شماره ۱۱ نشان داده شده است که برنامه درسی با مقدار ۴۶ صدم بیشترین تأثیر را بر تعلق فرد با مدرسه داشته است و مناسبات اولیای مدرسه با مقدار ۲۴ صدم بر تعلق فرد به مدرسه تأثیر گذار بوده است.

فرضیه سوم: تأثیر تعلق فرد به مدرسه بر همنشینی با دوستان منحرف

تحلیل رگرسیونی خطی نمایانگر تأثیر متغیر مستقل مناسبات اولیا و برنامه درسی، بر متغیر وابسته؛ یعنی تعلق فرد با مدرسه بوده است. نتایج مندرج در جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) در مدل معادل ۶۴ صدم بوده است. این مقدار بدین معناست که متغیر مناسبات اولیا در مدرسه و برنامه درسی ۶۴ صدم با تعلق فرد با مدرسه ارتباط داشته است. ضریب تعیین یا (R²) نیز بیانگر نسبتی از کل تغییرات متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل به حساب می‌آید، ۴۱ صدم محاسبه شده است، این مطلب بدین معناست که متغیر مناسبات اولیا در مدرسه بیش از ۴۱ صدم از تغییرات تعلق فرد با مدرسه را در بین نمونه آماری تبیین کرده و توضیح

جدول شماره ۱۲- تبیین دو متغیره رابطه تعلق فرد به مدرسه و همنشینی با دوستان منحرف

Sig	F	AdjR ²	R ²	R
۰,۰۱	۶,۷۴	۰,۰۲	۰,۰۳	۰,۱۸

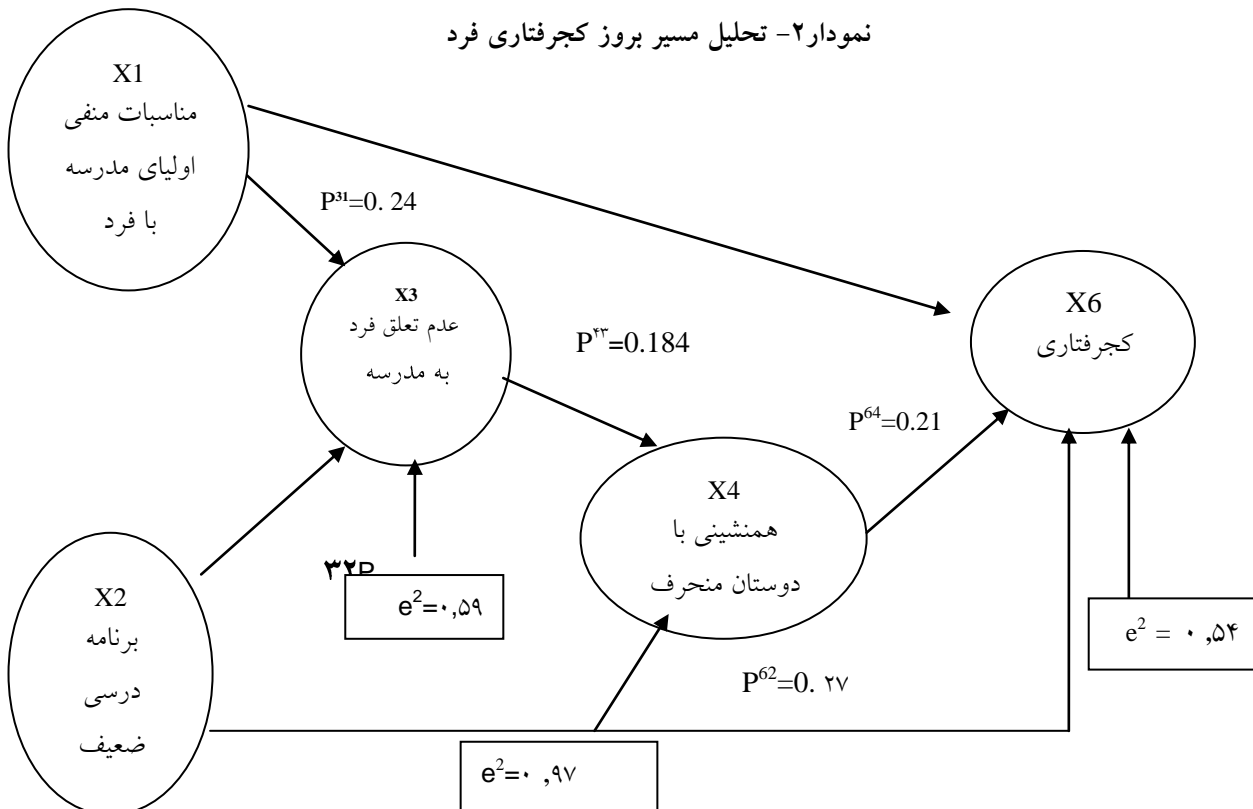
جدول شماره ۱۳- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده همنشینی با دوستان منحرف

متغیر مستقل	(B) ضریب تأثیر غیر استاندارد	(Beta) ضریب تأثیر استاندارد	T- value (ارزش T)	sig معناداری
ثابت	۳,۱۵	-	۱۰,۱۶	۰,۰۰۰
تعلق فرد با مدرسه	۰,۰۳	۰,۱۸	۲,۵۷	۰,۰۰۰

تحلیل رگرسیونی خطی نمایانگر تأثیر متغیر مستقل تعلق فرد به مدرسه، بر متغیر وابسته؛ یعنی همنشینی با دوستان منحرف بوده است. نتایج مندرج در جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) در مدل معادل ۱۸ صدم بوده است. این مطالب بدین معناست که متغیر تعلق فرد به مدرسه به تنهایی ۱۸ صدم با همنشینی با دوستان منحرف ارتباط داشته است. ضریب تعیین یا (R^2) نیز بیانگر نسبتی از کل تغییرات متغیر وابسته است که توسط متغیر مستقل به حساب می‌آید، ۰۳ صدم محاسبه شده است. این مطلب بدین معناست که متغیر تعلق فرد به مدرسه

بیش از ۲۴ صدم از تغییرات همنشینی با دوستان منحرف را در بین نمونه آماری تبیین کرده و توضیح می‌دهد. در همین جدول، مقدار (F) ۶,۷۴ با سطح معناداری بیش از ۹۹ درصدی تاییدی بر وجود رابطه بین همنشینی با دوستان منحرف و متغیرهای مستقل است و همچنین، بدین معناست که یکی از این متغیرهای مستقل در معادله رگرسیونی دارای ضریب معناداری است. همچنین، در جدول شماره ۱۳ تعلق فرد با مدرسه به میزان ۱۸ درصد بر متغیر همنشینی با دوستان منحرف تأثیر گذار است.

نمودار ۲- تحلیل مسیر بروز کجرفتاری فرد



تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم

مقایسه تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم جزئی و کلی متغیرهای مؤثر بر متغیر وابسته این پژوهش به شرح ذیل است:

جدول شماره ۱۴- اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل تحلیلی بر روی کجرفتاری فرد

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
مناسبات اولیای مدرسه با فرد	۰,۲۹	۰,۰۰۳	۰,۲۹
برنامه درسی مدرسه	۰,۲۷	۰,۰۱	۰,۲۸
همنشینی با دوستان منحرف	۰,۲۱	-	۰,۲۱

جدول شماره ۱۴ نمایانگر آن است که مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های تغییرات کجرفتاری فرد به ترتیب مناسبات اولیای مدرسه با فرد (۰,۲۹)، برنامه درسی (۰,۲۸)، همنشینی با دوستان منحرف (۰,۲۱) و وضعیت خانواده فرد (۰,۱۳) بوده است. تنها یک مسیر متغیر در مدل (۲) بر اساس ضرایب مسیر (میزان ضرایب بتا) حذف شده است، زیرا مطابق مباحث کرلینجر (۱۳۶۶) اگر تحلیلی بر یک نمونه نسبتاً بزرگ مبتنی باشد، ضرایب‌های مسیر کوچک هم ممکن است به لحاظ آماری معنادار شوند. بنابراین، ایشان پیشنهاد کرده‌اند که ملاک حذف مسیرهای مدل تحلیلی ضرایب‌های مسیر باشد که معادل ضرایب‌های بتاست؛ به این شکل که ضرایب مسیر کوچکتر از ۰,۰۵ غیر معنادار تلقی شوند (کرلینجر، ۱۳۶۶: ۴۲۰).

نتیجه‌گیری

کجرفتاری در مدرسه بیانگر اوضاع و محیط مدرسه است که می‌تواند بر رفتار فرد در مدرسه تأثیر بگذارد. مناسبات اولیا با فرد، از مهمترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های در ایجاد شخصیت فرد در مدرسه به شمار می‌روند. تحقیقات پیشین مبنی بر مناسبات منفی با بزرگسالان (اولیای مدرسه) به طور مثبت با کجرفتاری فرد مرتبط هستند (مازرولی و پاترنوستر، ۱۹۹۴).

همچنین، اگنیو مدعی است که مناسبات منفی بزرگسالان (اولیای مدرسه) با فرد، به فشار و احساس عدم تعلق او به مدرسه و رفتار انحرافی‌اش منجر خواهد شد (اگنیو و وایت، ۱۹۹۲). همچنین، مناسبات منفی اولیای مدرسه به عدم تعلق فرد به مدرسه و احساس سرخورده‌گی بالاتر و گرایش وی به دوستان منحرف و ارضای نیازهای فردی در بین همسالان و ایجاد خرده فرهنگ انحرافی در مدرسه و افزایش اعمال کجرفتاری منجر می‌گردد.

از دیگر مؤلفه‌های مدرسه، برنامه درسی مدرسه است. با توجه به نتایج تحقیق، هرچه احساس رضایت از برنامه درسی کمتر و شکاف بین اهداف شغلی فرد و مطالب درسی بیشتر باشد، تعلق فرد به مدرسه کمتر خواهد شد و به کجرفتاری فرد در مدرسه خواهد انجامید. که نظریه فشار عمومی اگنیو (۱۹۹۲) نیز این رابطه را تایید کرده است. وی مدعی است افراد هنگام ناتوانی در دستیابی به اهداف مطلوب ناامید شده، ممکن است نتیجه این سرخورده‌گی به ارتکاب کجرفتاری منجر شود. از عواملی که می‌تواند پیش‌نیاز شکست تحصیلی دانش‌آموزان ناتوان در یافتن تناسب یا اهمیت آنچه در مدرسه به آنان تعلیم داده می‌شود. شکاف بین آموزش فرد و دنیای واقعی برای حل مسائل روزمره، آنان را به سمت جدایی از مدرسه و

نخواهد بود، بلکه تضعیف تعلق فرد با مدرسه به افزایش گرایش به دوستان منحرف در مدرسه و نشست و برخاست با آنان منجر خواهد شد.

بر مبنای نتایج پژوهش حاضر، تعامل منفی اولیای مدرسه بر تعلق فرد به مدرسه و ایجاد افزایش کجرفتاری مؤثر بوده، از سوی دیگر، به ایجاد خرده فرهنگ‌های ضد مدرسه‌ای در مدرسه و خسارت به مکان آموزشی و اختلالات رفتاری در مدرسه خواهد شد. از این رو، سازمان آموزش و پرورش با اعمال کنترل بر گزینش معلمان مدرسه و ایجاد کلاس‌های آموزشی قبل از خدمت معلمان در مدرسه و ساز و کارهای آموزشی در بین معلمان می‌تواند بر تعامل اولیا در مدرسه تأثیرگذار باشد.

در ادامه با توجه به نتایج تحقیق، وجود برنامه درسی ضعیف و فشردگی محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان می‌تواند بر تعلق فرد در مدرسه تأثیرگذار بوده و به کجرفتاری در مدرسه منجر گردد. از اینرو آموزش و پرورش با بررسی کتاب‌های درسی در بین دانش‌آموزان مقطع دبیرستان و کاهش فشردگی و ایجاد کلاس‌های عملی علاوه بر کلاس‌های تئوری در مدرسه و شناخت آنان از اهداف شغلی آینده، می‌تواند در کاهش استرس فرد به مدرسه و برنامه درسی تأثیرگذار باشد.

منابع

۱. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم.
۲. سخاوت، جعفر. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، تهران، ش ۲، دوره ۴، صص ۵۵-۷۶.

عدم تعلق به آن سوق خواهد داد و تجربه‌ی مدرسه چیزی بیش از اتلاف وقت در مدرسه نخواهد بود. در این صورت، به نافرمانی دانش‌آموز در مدرسه و ایجاد اختلال در محیط مدرسه منجر خواهد گشت (سینگل سنا، ۱۹۹۵: ۵۵۲).

از نتایج دیگر تحقیق، هم‌نشینی با دوستان منحرف از متغیرهایی است که می‌تواند بر کجرفتاری فرد در مدرسه تأثیرگذار باشد. گرایش به دوستان منحرف، متأثر از شرایط محیطی است که فرد در طول دوران تحصیل با آن رو به روست. دانش‌آموزانی که دارای احساس عدم تعلق به مدرسه هستند و از نظام ساختاری مدرسه و عوامل آن بیزارند، دست به گروه‌های حمایتی (خرده فرهنگ ضد مدرسه) در مدرسه خواهند زد و به گونه‌ای منسجم در صدد ایجاد اختلال در مدرسه و مشارکت در فعالیت رفتارهای انحرافی دوستان برخواهند آمد. با توجه به نظریه ساترلند که مدعی است رفتار مجرمانه یادگرفتنی است، لذا پیوند با دوستان منحرف به اوضاع مدرسه بستگی دارد، فرد در مدرسه با ایجاد خرده فرهنگ ضد مدرسه و انحرافی می‌کوشد نیازهای روحی و حس انتقام‌جویی در خود را بر آورده ساخته، و ایجاد رفتارهای انحرافی را در مدرسه ایجاد کند.

از دیگر نتایج این تحقیق، تأثیر تعلق فرد به مدرسه بر گرایش فرد به دوستان و همسالان منحرف است. با توجه به فرضیه تحقیق، هر چه پیوند فرد به مدرسه کمتر باشد، گرایش او به دوستان و همسالان منحرف افزایش خواهد یافت. الیوت (۱۹۸۵) مدعی است که عدم تعلق فرد به مدرسه و یا خانواده می‌تواند بر ایجاد خرده فرهنگ‌های منحرف در جامعه تأثیرگذار باشد و احتمال رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد. با توجه به نتایج رگرسیونی تحقیق، تضعیف تعلق فرد به مدرسه به طور مستقیم بر کجرفتاری فرد تأثیرگذار

12. Agnew, Robert and Raskin White, (1992) An Empirical test of General strain theory, *Criminology*, vol 30,4.
13. Agnew, Robert, 1995, "Strain and Subculture Theories of Criminology" in Joseph F. Sheley, *Criminology*, 2nd ed, Belmont, California: Wadsworth.
14. Gottfredson, M.R., & Hirshi, T. 1990, A general theory of crime. Standford, CA: Standford University press.
15. Jenkins, Patricia, h, 1977, School delinquency and school social bond, *Journal of Research in crime & delinquency*, Aug, vol 34, Issue 3 p334.
16. Hirschi, T. 1969, cause of delinquency. berkeley. university OF California press.
17. Paternoster, Raymond and Mazerolle, 1994, General Strain Theory and delinquency, *Journal of Research in crime and delinquency*, vol 31, No3, 235-263.
18. Siengel, L.J. Senna, 1995, juvenile delinquency theory: practice and law 6nded.
19. Stewart, Aric, 2003, School Social Bond, school climate and school misbehavior, *justice quarteriy*, 20, 3: p: 572.
20. Thonberry, T.P., More, M., & Christenson, R.L., (1987). The effect of dropping out of high on subsequet criminal behavior, *Criminology*, 23, 3-19
21. Wayne N. Welsh, Robert Stokes, Jack Greene (2000) a macro- level model of school disorder, *journal of research in crime and delinquency*, 37, p: 243-273.
۳. سراج زاده، سید حسین. (۱۳۸۳). «کجروی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن بر مدیریت فرهنگی»، فصلنامه پژوهش، تهران، ش ۳. صص ۵۳-۶۷.
۴. صدیق، رحمت ا... (۱۳۸۷). *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات سمت.
۵. علیوردی نیا، اکبر و دیگران. (۱۳۸۶). «مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، تهران، دوره ۸، ش ۲۸۳-۱۱۱.
۶. کدیور، پروین. (۱۳۸۴). «بررسی رشد قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان و رابطه آن با جو سازمانی مدرسه و نحوه تعامل معلم و دانش‌آموزان»، *فصلنامه تعلیم تربیت*: ش ۴۸، صص ۴۸-۶۹.
۷. کرلینجر، پدهازور. (۱۳۶۶). رگرسیون چند متغیره در پژوهش‌های رفتاری، ترجمه حسن سرایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. رجایی، علیرضا. (۱۳۸۲). «بررسی رابطه خانواده، مدرسه، همسالان با بزهکاری»، *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ش ۱۰ و ۱۱، صص ۴۶-۷۴.
۹. روزنامه ایران (۱۳۸۳/۶/۱۵)، تهران: سال دهم، ش ۲۹۹۸.
۱۰. محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۵). در آمدی بر جامعه‌شناسی انحرافات رفتاری نوجوانان، رشت: انتشارات حق شناس.
11. Agnew, Robbert, 1991, The Intnteractive Effects of peer variables on delinquency, *American Journal of Criminology* vol p.p 29,72.